

ریشه‌شناسی یکی از نام‌های دریاچه ارومیه:

## کبودان

### دکتر علی اشرف صادقی

استاد بازنشسته دانشگاه تهران  
عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی



### چکیده

کبودان یکی از نام‌های قدیمی دریاچه ارومیه است؛ برخی کبودان را دریاچه کبود معنی کرده‌اند و برخی آن را نام جزیره‌ای که در این دریاچه قرار دارد دانسته‌اند. در این مقاله آراء مختلف در این مورد نقل و نقد شده و کلمه کبودان ریشه‌شناسی شده است.

کبودان، نام قدیم دریاچه ارومیه (رک. مسعودی، ج ۱، ۱۸۶۱، ص ۹۷؛ همو ۱۸۹۴، ص ۷۵؛ ابن حوقل، ۱۹۳۹، ص ۳۲۳، ۳۳۶، ۳۴۵). اصطخری و مقدسی آن را بئحیره ارمیه گفته‌اند و مستوفی آن را بئحیره چیچست نامیده است (برای سایر نام‌های آن رک. لسترنج، ۱۹۰۵ (۱۹۶۶)، ص ۱۶۱ - ۱۶۰؛ همو ۱۳۳۷، ص ۱۷۲-۱۷۱). لسترنج کبودان را دریاچه کبود (آبی) معنی کرده و آن را از کلمه ارمی gaboid به معنی کبود مشتق دانسته است (لسترنج، ۱۹۰۵، (۱۹۶۶)، ص ۱۶۰؛ همو، ۱۳۳۷، ص ۱۷۱).

ابن سربایون (به نقل لسترنج، همانجا) کبودان را نام جزیره‌ای دانسته که در این دریاچه قرار دارد، اما یاقوت (ج ۱، ص ۵۱۳، ذیل «بحیره ارمیه») کبودان را نام کوهی در وسط این دریاچه دانسته است. ابودلف که شاید یاقوت هنگام تحریر مطلب خود به او نظر داشته کبودان را نام خود دریاچه ذکر کرده، اما از آنجا که نام کبودان را بلافاصله بعد از کلمه «جبال یقال لها...» آورده ظاهراً مطلب او بد فهمیده شده است. عبارت ابودلف چنین است: «و بارمیه ایضا البحیره الثمرة التي لا نبات علیها و لا حیوان بقربها و وفی وسطها جبال، یقال لها کبودان و فیها قری یسکنها ملاحو(۱) سفن ذلک البحر» یعنی در ارمیه همچنین دریاچه تلخی است که در کنار آن گیاهی و در نزدیکی آن جانوری نیست و در وسط آن کوه هایی است؛ آن را کبودان می‌نامند و در آنجا قریه‌هایی است که ملاحان کشتی‌های این دریا در آن ساکن‌اند (رک. ابودلف، ۱۹۶۰، ص ۱۴-۱۳، ۵۴ و همو، ۱۳۴۲، ص ۴۸ که عبارت متن عربی چنین ترجمه شده: در میان دریاچه کوهی است به نام کبودان).

از آنجا که یاقوت درباره این دریاچه مطالبی علاوه بر مطالب ابودلف آورده و از آن جمله صریحاً گفته: من این قلعه را هنگامی که در سال ۶۱۷ به خراسان می‌رفتم و از این دریاچه عبور می‌کردم از دور دیدم، نمی‌توان گفت که یاقوت مطلب خود را یکسره از ابودلف گرفته است. تنها این را می‌توان گفت که وی هنگام ذکر چشمه‌ای که آبش به سنگ تبدیل می‌شود صریحاً می‌گوید این مطلب را مسعر (= ابودلف) گفته است.

مسعودی (۱۸۹۴، ص ۷۵) کبودان را نام قریه‌ای در جزیره‌ای در وسط این دریاچه ذکر کرده است. به نوشته مارکوارت، بطلمیوس (قرن دوم میلادی) نام دریاچه را Kaputan ذکر کرده است. به نوشته همو استرابون (قرن اول قبل از میلاد و اوایل قرن اول میلادی) این نام را Spautan

آورده که سن مارتن در کتاب *Mémoire sur l'Arménie I, 59* آن را به *Kapautan* تصحیح کرده است (استرابون در جای دیگر نام این دریاچه را *Mantianē* آورده که بطلمیوس یک بار آن را به شکل *Margianē* ذکر کرده است. این نام از نام مردمانی به نام مانتیان‌ها یا مانتین‌ها (*Mantian-er*, *Mantiener*) که سابقاً در سواحل این دریاچه ساکن بوده‌اند گرفته شده است.

کبودان به عقیده مارکوارت از *\*kapauta* فارسی باستان مشتق شده که در ارمنی به شکل *kapoit* درآمده است. کپرت در جغرافیای قدیم، بند ۷۳، ش ۱، می‌گوید ارمنیان باستان این دریاچه را *Kapoit žow* می‌نامیدند، اما مارکوارت معتقد است که برعکس، نام قریه از نام دریاچه گرفته شده و بعدها مجدداً نام قریه به دریاچه داده شده است (مارکوارت، ۱۹۰۱، ص ۱۳۷، ۱۴۳).

توجیه اخیر مارکوارت ظاهراً به علت وجود پسوند «-ان» در کبودان است، زیرا این پسوند نسبت را می‌رساند. ظاهراً به نظر مارکوارت ابتدا این دریاچه دریاچه کبود نام داشته که قریه کبودان (یعنی منسوب به کبود) از نام دریاچه گرفته شده و بعداً این نام به خود دریاچه اطلاق شده است. اما این توجیه متکلفانه به نظر می‌رسد. در زبان پهلوی *kabōd*، کبود یا کبود به معنی کبوتر است و کبودان جمع آن است. اگر کبودان را در اصل نام قریه یا

مینورسکی احتمالاً به دلیل اینکه کبود می‌تواند صفت آب باشد، کبودان را نام دریاچه دانسته و قول مسعودی را نپذیرفته است، اما نام ترکی گورچین قلعه نظر ما را که کبودان در اصل نام قریه یا کوه (یا قلعه‌ای) در دریاچه بوده تأیید می‌کند.

“

ترجیحاً نام کوهی (قول یا قوت) بدانیم که در این دریاچه قرار داشته، آنگاه نام دریاچه را از آن مشتق بدانیم راه بهتری پیموده‌ایم. ظاهراً کبوترها بر روی این کوه یا کوه‌ها جمع می‌شده‌اند و به همین جهت مردمان اطراف دریاچه نام این کوه یا کوه‌ها یا قریه و قریه‌ها را کوه یا کوه‌ها یا قریه کبوترها نامیده بوده‌اند. ابودلف از قلاعی در این دریاچه و یا قوت از یک قلعه که خود دیده بوده نام برده‌اند. مینورسکی در تعلیقات خود بر رساله ابودلف از دو دژی که در دریاچه بوده چنین یاد می‌کند: «دو دژ معروف دریاچه عبارت بودند از «شاهو» (در جزیره‌ای که اکنون به صورت شبه جزیره در ساحل شرقی واقع است) و گورچین قلعه Güvārchin-qa'la «قلعه کبوتر»، احتمالاً «یکتور» Yaktur قدیم، رک. طبری، بخش سوم، ص ۱۷۱، بر ساحل شمال غربی.»<sup>۲</sup> (مینورسکی، ۱۹۵۵، ص ۷۶؛ همو، ۱۳۴۲، ص ۱۰۷). مینورسکی نیز احتمالاً به دلیل اینکه کبود می‌تواند صفت آب باشد، کبودان را نام دریاچه دانسته و قول مسعودی را که در همین صفحه نقل کرده نپذیرفته است، اما نام ترکی گورچین قلعه نظر ما را که کبودان در اصل نام قریه یا کوه (یا قلعه‌ای) در دریاچه بوده تأیید می‌کند. یادآوری می‌گردد که در نام‌های اماکن ایران در جای دیگری نیز به نام کبودان برمی‌خوریم. در گرگان تپه‌ای به نام تپه کبودان وجود دارد که معنی آن را «تپه کبوترها» دانسته‌اند (رک. ف. ژینیو، ۱۹۸۴، ص ۱۵۸-۱۵۷).

## پی‌نوشت

- عبارت یا قوت چنین است: بحیره مرة مُنتَهه الريحه لايعيش فيها حيوان ولا سمك ولا غيره و فی وسطها جبل یقال له کبودان و جزیره فیها اربع قرى او..... ذلك یسکنها ملاحو سفن هذا البحر... و فی جبلها قلعة حصينة مشهورة... وقد رایت هذه القلعة من بُعد عند اجتيازی بهذه البحيرة قاصدا الى خراسان فی سنة ۶۱۷.
- مینورسکی در اینجا اضافه می‌کند که استرابون (XI، ۱۳، ۲) کبودان را نام خود دریاچه می‌داند.

## منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی، ۱۹۳۹، کتاب صورة الارض، به کوشش جی، اچ کرامرس، لایدن، بریل.
- ابودلف، مسعربن مهلهل خزر جی، ۱۹۵۵، الرسالة الثانية، به کوشش ولادیمیر مینورسکی، قاهره، وزارة التربية و التعليم، ادارة الثقافة (مطبعة جامعة القاهرة).

۳- ابودلف، مسعربن مُهلَهل خزر جی، ۱۹۶۰، الرسالة الثانية، به کوشش پطرس بولگاکف و انس خالدوف، مسکو، دارالنشر الآداب الشرقیه.

۴- ابودلف، مسعربن مُهلَهل خزر جی، ۱۳۴۲، سفرنامه ابودلف در ایران، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران.

۵- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی، ۱۹۲۷، کتاب مسالك الممالک، به کوشش یان دخویه، لایدن، بریل، ویراست دوم.

۶- طبری، محمد بن جریر، ۱۸۸۹ - ۱۸۸۱، تاریخ الرسل و الملوک، به کوشش یان دخویه و دیگران، لایدن، بریل.

۷- لسترنج، گای، ۱۳۳۷، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

۸- مستوفی، حمدالله، ۱۹۱۵، کتاب نزهة القلوب، لایدن، بریل.

۹- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۸۹۳، کتاب التنبیه و الاشراف، به کوشش یان دخویه، لایدن، بریل.

۱۰- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۹۱۴ - ۱۸۶۱، مروج الذهب و معادن الجواهر، به کوشش باریبه دومنار و پاوه دو کورتی، پاریس، چاپخانه ملی، ۹ جلد.

۱۱- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۹۰۶، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، به کوشش یان دخویه، لایدن، بریل.

۱۲- یاقوت، ابوعبدالله، ۱۸۶۹ - ۱۸۶۵، معجم البلدان، به کوشش فردیناند ووستنفلد، لایپزیک.

13- Gignoux. Ph., 1984, *Noms propres sassanides en moyen-perse épigraphique*, Wien, Österreichische Akademie der Wissenschaften.

14-Le Strange. G., 1915, *The Lands of the Eastern Caliphate*, London, Frank Cass and co.

15-Marquart. J., 1901, *Ērānšahr*, Berlin.

16-Minorsky. V., 1955. → ۱۹۵۵، ابودلف،